



آمریکا در مقابل قیام مردم بحرین چه باید بکند

بحرین به یکی از مهمترین متحدین آمریکا در دنیای عرب است و پس از اردن، بحرین دیگر دولت عربی است که کاخ سفید نمی‌تواند شاهد تغییر رژیم در آن باشد.

بحرین به یکی از مهمترین متحدین آمریکا در دنیای عرب است و پس از اردن، بحرین دیگر دولت عربی است که کاخ سفید نمی‌تواند شاهد تغییر رژیم در آن باشد.

به گزارش خبرنگار دیپلماسی عمومی و جنگ نرم خبرگزاری فارس، موسسه امریکن اینترپرایز در مقاله‌ای به قلم مایکل رابین نوشت: بحرین کوچکترین کشور عربی دنیاست؛ شش کشور را به اندازه بحرین می‌توان در یکی از ایالت‌های آمریکا جا داد. استقرار ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در بحرین، آن را به یکی از مهمترین متحدین ما در دنیای عرب، تبدیل کرده است. پس از اردن، بحرین دیگر دولت عربی است که آمریکا نمی‌تواند شاهد تغییر رژیم در آن باشد.

بحرین از سبقه تاریخی بلند مدت برخوردار بوده و فرقه‌های مختلفی در آن ساکن هستند. این جزیره تا اوایل قرن شانزدهم یکی از استان‌های ایران به شمار می‌رفت. در آن زمان نیروی دریایی پرتغال، که تلاش می‌کرد از خلیج فارس خود را به هند برساند، این جزیره را اشغال کرد. حکومت ایران هرگز به صورت کامل با جدایی بحرین کنار نیامد. زمانی که انگلیسی‌ها در سال 1970 خلیج فارس را ترک کردند، شاه ایران مدعی حکمرانی کشورش بر این جزیره شد.

نزدیک به 70 درصد از مردم آن شیعه هستند و تقریباً نیمی از مردم آن در خانه‌های خود به زبان فارسی سخن می‌گویند.

در سال 2007، علی شریعتمداری، نماینده رهبر ایران در روزنامه کیهان، دعاوی ایران در مورد بحرین را تجدید کرد و مقامات ایرانی پس از آن بارها در مورد این جزیره سخن گفتند. مقامات ایرانی در اظهارات خود از تغییر خلیج فارس به یک دریاچه ایرانی دم می‌زنند؛ از این رو آنها در صددند تا حکمرانان سنی بحرینی را کنار زده و استیلای ایران بر این کشور را مجدداً محقق سازند و از این طریق نفوذ آمریکا را در این منطقه به پایان برسانند.

بحرین که به واسطه گذرگاهی به عربستان سعودی متصل می‌شود، این کشور را برای خاندان سلطنتی آل سعود به خط مقدم رویارویی سنی‌ها و شیعیان تبدیل کرده است. هر زمان که ایران از شورش شیعیان در این کشور حمایت کرده است، نیروهای نظامی سعودی با عبور از گذرگاه به کمک مقامات بحرینی آمده و شورش را سرکوب کرده‌اند.

قیامی که امروز شاهد آن هستیم، بنا به تحریک ایران به وجود نیامده است؛ اما با این حال دولت ایران ممکن است در صدد بهره برداری از آن برآید. مسئله اصلاحات در مورد بحرین - و دیگر دولت‌های حاشیه خلیج فارس - جدی است. لذا اوباما چه تدبیری باید بیاندیشد؟

کاخ سفید و وزارت امور خارجه باید با استفاده از فرصت پیش آمده در جهت توسعه حکومت مشروطه واقعی حرکت کنند. بند 33 قانون اساسی بحرین، در واقع رویایی است که یک دیکتاتور در سر می‌پروراند. در این بند فهرستی از امتیازهای خاص پادشاه را می‌توان یافت.

پادشاهان در مقایسه با جمهوری خواهان بسیار میانه‌روتر هستند. خاندان سلطنتی بحرین از خصوصیات ناسیونالیستی منحصر به فردی برخوردار است، اما بیش از این نباید در رأس قانون قرار گیرند. حکومت‌ها می‌بایست انتخاب شوند، نه اینکه به واسطه هوا و هوس حاکمان موروثی از کار بر کنار گردند. همچنین قانون اساسی هر کشور باید به نحوی تنظیم گردد که رهبران ملی را در تصمیم‌گیری‌های دفاعی گرد هم آورد تا از این طریق سیستم دفاعی مؤثر فراهم آید. باید توجه داشت که همکاری در عرصه دفاع نیز مستلزم برنامه‌ریزی و تلاش‌های بلند مدت می‌باشد.

رئالیست‌ها ممکن است خواهان بازگشت به گذشته باشند، زمانی که دیکتاتورهای حامی آمریکا، بر کشورها حکمرانی می‌کردند و اهالی کشور خود را برای خدمت، به خط می‌کردند؛ اما باید قبول کرد که دیگر آن روزها باز نخواهند گشت. ایجاد تغییرات لازم در قانون اساسی، نه تنها در بحرین بلکه در قطر، امارات متحده عربی، عربستان سعودی و کویت ضروری است. باید با استفاده از فرصت پیش آمده، ثبات را در منطقه تجدید و از رژیم‌هایی که حضور آنها برای امنیت ملی آمریکا حیاتی هستند، محافظت کرد.